

خداوند در آیه ۱۰ حجرات سوره ۴۹ میفرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ، فَأَصْحَابُ بَيْنِ أَخَوَيْكُمْ.

مسلمانان با هم برادرند، بین برادران را اصلاح کنید.

این نظر خداوند است که «مسلمانان با هم برادرند.» در این حکم دو محور خداوند است که «بین برادران را اصلاح کنید.» مسلمان واقعی تسلیم نظر و حکم خداوند است. مسلمان واقعی میداند که خداوند از تفرقه و اختلاف نهی فرموده و میفرماید: «لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ.» «مثل کسانی که پس از اینکه دلیل‌های روشن بهم برای آنها آمد، دچار تفرقه و اختلاف شدند بنشینید.» و خداوند برای جلوگیری از اختلاف میفرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا.» «همگی به رشته الهی چنگ بزنید، و دچار تفرقه نشوید.» و میفرماید: «لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ.» «نزاع و کشمکش نکنید، چون است میزدید و عظمت و قدرت خود را از دست بدهید.» مسلمان واقعی در مورد قرآن از ظن و گمان دهنوای نفس (دکوان) خود بی‌مردی نمیکند و بنام تفسیر و تأویل قرآن از ظن و گمان بی‌مردی نمیکند و آیات صحیح و روشنی که در قرآن است بخاطر هوای نفس و تصورات خود زیر پا نمیگذارند و آیات قرآن را تحریف نمیکند. تحریف یعنی عوض کردن معنی کلمات و مخوف کردن معنی جمله از معنوم صحیح و روشن آن. چون میداند «الَّذِينَ يَقْرُونَ عَلٰى آلِهِ الْكُذْبَ لَا يَفْلِحُونَ.» «کسانی که دروغ‌هایی را با هم می‌بافند و به الله نسبت میدهند رستگار نمی‌شوند.» مسلمان واقعی به آخرت و پاداش و جزای اعمال خود ایمان دارد و سخن خداوند را تحریف نمیکند. مسلمان واقعی سعی میکند برای اصلاح جهان اختلافات مسلمانان را رفع و دین آنها را اصلاح کند و آن‌ها تمام دینداران و اصلاح طلبان واقعی جهان را متحد کند.

نهی البدعة:

علی علیه السلام در نهج البلاغه در نامه ۴۳ نامه به مالک اشتر میفرماید:

فَانْتَهُمْ صِنْفَانِ: اِمَا اَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ، وَاِمَا نَظِيرُكَ فِي الْخَلْقِ.

مردم دو دسته هستند: یا برادر دینی تو هستند، یا در خلقت شبیه تو (آدم) هستند.

مردم جهان یا مسلمان و برادر دینی مسلمان هستند و باید با هم برادر و متحد باشند در اصلاح جهان کوشش کنند یا کسانی مثل همه آن‌ها و با شعور و حساسات و عقاید خاص خود میباشند و مسلمانان باید حقوق انسانی آنها را رعایت کنند و آنها را متوجه دین خداوند بکنند و ارزش دین و شایسته دینداری واقعی در حق یک دنیا می‌باید است. آنها را تشویق کنند.

حدیث:

امام صادق ع در حدیث اول باب «برادری افراد با ایمانی با هم» در جلد سوم اصول کافی ترجمه سید جواد مصطفوی میفرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ بَنُو أَبِي وَأُمِّ، وَإِذَا ضَرَبَ عَلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ عِرْقٌ وَسَّكَرَ لَهُ الْإِخْرُونَ.

افراد با ایمان برادرند از یک پدر و یک مادر، وقتی رنگی از یکی از ایشان زده شود دیگران برای او خواشانی نمی برد.

مسلمانان واقعی در هر جای دنیا باشند ما هم برادرند و بغیر یکدیگر میبازند و شکیان یکدیگر مستند با هم در راه حقن یک دنیا یا پاک متحد کوششی عاقلانه میکنند. دنیا یا پاک است که در آن اثری از ظلم و ستم و فقر و جهل و خود شدن شخصیت انسان نباشد. چون میدانند این وظیفه هر مسلمانی است که در این راه کوشش کند. دلی کوششی عاقلانه و با توجه به تمام واقعیت های بنی که در طبیعت ان است. چون انسان با خود خواهد قدرت طلب و اعیان را دوست داشته و بنده قدرت ذر ذرت و شرت و شهوت میباشند.

ده فرمان:

کتاب مقدس: شماره ۱۷ تا ۲۰: خروج ۲۱ تا ۲۵: ۵ تنبیه از کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان میفرماید:

« خدا تکلم فرمود به این کلمات و ابلیس: من هستم بیوه خدای تو که تو را از زمین محروم از خانه عذیمی برون آوردم. تو را خدا با آن دیگر غیر از من نباشد. صدوقی تو شنیده هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمان است و از آنچه پائین در زمین است و از آنچه در آب زیر زمین است برای خود می سازد آنها سجد می کنند، و آنها را عبادت نمائند... نام بیوه خدای خود را باطل مبر... روز سبت را یاد کن تا آن را تقدیس نمائی بخش روز مشغول باش... اما روز هفتمین سبت بیوه خدای تو است؛ در آن هیچ کار مکن... پدر و مادر خود را اقرار نمائ... قتل مکن... زنا مکن... دزدی مکن... بر همی خود شهادت دروغ مده... بگانه همی به خود طمع موز زدن همی است و غلزش و گدازش و اغزش و بهیچ چیزی که از آن همی تو باشد طمع مکن...»

و در شماره ۱۶: ۲۴ لایوان فرماید: لا هر که اسم بیوه را بگوید و اگر گوید بر آینه گشته شود. تمامی جماعت البتة او را تنگ رکنند. و در شماره ۳۲ تا ۳۵: ۱۵ اعداد میفرماید خداوند بیوه می گفت این شخص که روز سبت میزیم جمع میکرد (البته گشته شود. تمامی جماعت او را بیرون از شهر گناه آورده تنگ رکنند. و شماره ۱۵: ۲۴ تنبیه فرماید: کسی که بگوید برویم و خدا را با آن غیر را... عبادت نمائیم... او را با تنگ رکنند تا ما میبرد... (البته گناه آن شهر که غیر از عبادت گناه را برویم محشر مکن...» و در شماره ۱۸ تا ۲۱: ۲۱ تنبیه فرماید: پس هر کس در قنیه آید... جمع این شهرش او را تنگ رکنند تا میبرد... و در شماره ۲۳ تا ۲۴ تنبیه زنا کار در موقع با بدینک شود...»